

# Jurisprudential Feasibility Of The Right To Anonymity In Cyberspace

Fateme fallah tafti

Faculty of Allame Tabataba'i University, Tehran, Iran, (Corresponding Author)  
f.fallah@atu.ac.ir

Samane Babaei

Master's degree, Kausar Seminary, Tehran

## Keywords:

right, anonymity, right to anonymity, virtual space, privacy, right to personality

## Abstract

Following the ever-increasing expansion of virtual space in human life, appropriate rights are created with it, one of which is the right of anonymity in this space, which is based on the principles of human freedom and privacy. But Muslim societies, especially our Islamic country Iran, need to analyze it from the perspective of Imamiyyah jurisprudence and its laws, in order to gain knowledge about this emerging issue and its limits. This research, which was compiled using a descriptive analytical method, wants to solve the urgent need for research on this issue in this article and lay the groundwork for future research. The result of the present research is that Imami jurisprudence and Iranian law considers the right of anonymity as legitimate and acceptable for the user of virtual space according to the existing jurisprudential-legal evidence and considers it conditional on the three principles of "non-abuse", "legality" and "necessity". . In such a way that the owner of this right is not allowed to abuse it in terms of moral, economic and security. Also, the law can narrow this right and not allow or limit its use. "Necessity" is also considered as one of the limitations of this right that a person should use this right wherever "necessity" requires.



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

## امکان سنجی فقهی حقوقی حق گمنامی در فضای مجازی

فاطمه فلاح تفتی

استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، عضو هیئت علمی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، (نویسنده مسئول) f.fallah@atu.ac.ir

### سمانه بابایی

دانش آموخته سطح ۳ حوزه کوثر تهران.

تاریخ پذیرش: ۲۷ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۰۴ دی ۱۴۰۲

### چکیده

امروزه به دنبال گسترش روزافزون فضای مجازی در زندگی بشر، حقوق جدیدی متناسب با آن نیز ایجاد گردیده است که یکی از آن‌ها حق گمنامی هویت در این فضا است که بر پایه اعمال آزادی انسان و حریم خصوصی مطرح گردیده است؛ و لازم است مباحث مرتبط با این مسئله مستحدثه و حدود آن مورد مذاقه قرار گیرد. این پژوهش که به روش تحلیلی توصیفی تدوین شده، درصدد است تا نیاز مبرم به فحوص و پژوهش بنیادین در این مسئله نوظهور را برطرف و زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی گردد. برآیند پژوهش حاضر آن است که فقه امامیه و حقوق ایران، حق گمنامی را بنا بر ادله فقهی - حقوقی موجود، برای کاربر فضای مجازی مشروع و مقبول برمی‌شمرد و آن را مشروط بر سه اصل «عدم سوءاستفاده»، «قانونیت» و «ضرورت» می‌داند به این صورت که محق این حق، اجازه سوءاستفاده از آن را به لحاظ اخلاقی، اقتصادی و امنیتی ندارد. همچنین قانون می‌تواند این حق را ضیق نماید و اجازه استفاده از آن را ندهد یا محدود کند. ضرورت نیز از محدودکننده‌های این حق شمرده می‌شود که در هر جایی که ضرورت ایجاب کرد شخص از این حق استفاده نماید.

**واژگان کلیدی:** حق، گمنامی، حق گمنامی، فضای مجازی، حریم خصوصی، حق بر شخصیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

در عصر حاضر که عصر تکنولوژی و فناوری اطلاعات است، پدیده‌های فراوانی مانند اینترنت و فضای مجازی ظهور پیدا کرده‌اند که سبب شده انسان، زندگی در فضای مجازی را نیز به موازات زندگی در فضای حقیقی تجربه نماید. فضای مجازی را می‌توان فضایی تلقی کرد که واقعیت دارد؛ چون اعمال انسان در این فضا تأثیری واقعی دارد (مرکز ملی فضای مجازی، ۱۳۹۶: ۳۳). این فضا ویژگی‌هایی دارد که تقریباً آن را با فضای فیزیکی و عینی متمایز می‌کند که یکی از آن‌ها «گمنام و سیال بودن هویت کاربران» است که بر پایه و مبنای اعمال آزادی بیان، آزادی انسان و اعمال حریم خصوصی مطرح و ایجاد شده است. این امر خود پاسخگویی فقه امامیه را به سؤالات کاربران در این زمینه می‌طلبد. البته قوانینی نیز در خصوص حریم خصوصی و امثال آن وضع شده است؛ ولی به دلیل شباهت با حریم خصوصی، این‌طور به نظر می‌رسد که قوانین موضوعه در خصوص حریم خصوصی، شامل حق گمنامی نیز می‌گردد، درحالی که دقت و تأمل در مسئله، شرایط و مصادیق آن را آشکار ساخته و متمایز می‌کند. از این‌رو نیازمند است تا خلأ پژوهشی که در مورد این موضوع وجود دارد، اندکی پر گردد و جوانب این موضوع مشخص شده تا وظیفه شرعی- قانونی و نیز ضمانت اجرای حق گمنامی روشن گردد.

از میان پایان‌نامه‌ها و مقالاتی که با موضوع حاضر مرتبط است می‌توان به پایان‌نامه حسین حشمت زاده (۱۳۹۷) با راهنمایی باقر انصاری در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی با موضوع «حق بر گمنامی در اینترنت» اشاره کرد که ایشان در رساله خود نیز حق گمنامی را به لحاظ حقوقی مورد تحقیق و بررسی قرار داده است. پایان‌نامه‌ی دیگری نیز با عنوان «تحلیل امنیت و بهبود یک پروتکل احراز هویت با تأکید بر گمنامی کاربر» (۱۳۹۴) توسط احمدعلی اکبریان قناتی با راهنمایی مرتضی نیکو قدم در دانشکده مهندسی دانشگاه امام رضا (علیه‌السلام) نوشته شده است. این پایان‌نامه همان‌طور که از عنوانش نیز مشخص است حول محور امنیت و بهبود احراز هویت با تأکید بر گمنام ماندن کاربر نگاشته شده است. نیز در مقاله محمدامین کنعانی و حمیده محمد زاده با عنوان «مطالعه گمنامی در روابط اینترنتی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن» (۱۳۹۷) که در مجله جامعه‌شناسی کاربردی به چاپ رسیده و همان‌طور که از اسم آن برمی‌آید، نویسندگان گمنامی را به لحاظ جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار داده‌اند. این مقاله ضمن ارج نهادن به آثار فوق مدعی نوآوری‌هایی در این زمینه است اولاً بحث را از جنبه فقهی مورد ملاحظه قرار داده و مبانی حکم به جواز یا عدم جواز گمنامی هویت کاربران در فضای مجازی را تبیین می‌کند ضمن آنکه آن را به‌عنوان اینکه حقی برای کاربر به وجود می‌آورد مورد بررسی قرار می‌دهد. ثانیاً شرایط و ضوابط فردی و اجتماعی حق گمنامی و احکام مرتبط با آن را مورد توجه قرار داده که بررسی این جوانب در پژوهش‌های دیگر یا وجود ندارد یا به‌صورت خیلی اندک و آن‌هم تنها به لحاظ حقوقی در برخی پژوهش‌ها به چشم می‌خورد.

بر این اساس، مقاله حاضر که با روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده پس از بیان مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی، به بررسی ادله فقهی-حقوقی حق گمنامی می‌پردازد و امکان ایجاد چنین حقی را مورد مطالعه قرار داده و از خلال آن به شرایط و ضوابط این حق اشاره می‌شود.

## ۱. حق گمنامی

«حق گمنامی» ترکیب اضافی از دو کلمه «حق» و «گمنامی» است. حق از کلماتی است که معانی متفاوت و متعدد برای آن مشاهده می‌شود. برخی حق را به معنای «ثابت» (مسعود، ۱۳۷۶: ۶۸۹). در نظر گرفته‌اند و گروهی، معنای «مطابقت» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۶). را برای آن قائل شده‌اند. با این حال این‌طور به نظر می‌رسد که معنای «مطابقت» هم به‌نوعی به همان معنای «ثبوت و ثابت» باز می‌گردد.

حق از جهات مختلف اعتبار می‌شود و ناظر به حیثیت‌های گوناگون است. مثلاً حق به اعتبار صاحب حق، به حق‌الله و حق‌الناس و به اعتبار ارزش مالی به حق مالی و غیرمالی و ... تقسیم می‌شود (ساجدی، ۱۳۸۸: ۲۰). یکی از حقوق غیرمالی یا به تعبیر دیگر غیرمادی، «حقوق مربوط به شخصیت» است. «حق مربوط به شخصیت حقیقی است که به هر انسان تعلق دارد و بیشتر از شخص انسان حمایت می‌کند تا منافع مادی او و غیرقابل انفکاک از شخص و شخصیت انسان است؛ برخلاف حقوق مالی همانند حق مالکیت که قابل نقل و انتقال به دیگری است. به تعبیر دیگر، حقوق مربوط به شخصیت به حفظ ذات و عرض انسان برمی‌گردد. از قبیل: حق زندگی کردن، حق آزادی تحصیل، آزادی بیان، شغل و مذهب و غیره» (طاهری، ۱۳۷۵: ۴۰)

بر این مبنا این دسته از حقوق به دو قسم حقوق مربوط به شخصیت جسمی و حقوق مربوط به شخصیت معنوی تقسیم می‌گردند؛ لذا علاوه بر حق تمامیت جسمی که انسان بر خود دارد، حقوق دیگری مانند حق آزادی‌های فردی، حق نام و تصویر و عکس، حق حفظ آبرو و حیثیت، حق تألیف آثار فکری و هنری و حق تمتع از زندگی خصوصی نیز دارد (طاهری، ۱۳۷۵: ۴۰ - ۴۶) حق گمنامی نیز به تبع حق نام و تصویر و عکس جزو حقوق شخصیت معنوی و حریم خصوصی انسان شمرده می‌شود.

گمنامی نیز در لغت‌نامه‌های فارسی ترکیبی از دو کلمه «گم» و «نام» است و به معنای «بی‌نام بودن، بی‌نام‌نشان بودن» (دهخدا، ۱۳۹۵: واژه گمنامی؛ عمید، ۱۳۸۷: ۲۰۷۰) معنا شده است. گمنامی در حقیقت به کسی یا چیزی که نامش درجایی برده نمی‌شود یا ناشناخته و فاقد شهرت و اهمیت است، اطلاق می‌شود (انوری، ۱۳۸۲: ۱۹۴۴)

با توجه به تعاریف ذکر شده از دو واژه مذکور، معنای لغوی حق گمنامی «ثبوت بی‌نام‌نشان بودن، ثبوت ناشناخته بودن، ثبوت ناشناخته ماندن» و از نظر اصطلاحی، می‌توان حق استفاده گمنام از اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دانست. به تعبیر دیگر و البته دقیق‌تر، حق شرکت آزادانه در هر فعالیت آنلاین بدون فاش کردن نام شخصی برای هرکسی است. «گمنامی هویت» یکی از ویژگی‌های فضای مجازی محسوب می‌شود. بر این اساس معنای اصطلاحی دقیق‌تر حق گمنامی زمانی روشن می‌شود که در خصوص فضای مجازی و به‌ویژه در مورد ویژگی‌های آن توضیح داده شود.

## ۲. فضای مجازی

جهان و فضای مجازی در حقیقت نوعی فرافضا و فضای ذهنی است که همه‌جا هست و در عین حال هیچ‌جا نیست. فضایی است که در پرتو در دسترس قرار دادن اطلاعات گسترده و سریع، به فرد قدرت و امنیت روانی گسترده‌تر نمادینی می‌بخشد؛ اما در عین حال او را وابسته‌تر، بی‌قدرت‌تر و مضطرب‌تر از قبل می‌کند. فضایی است سیال و بی‌حدومرز که به‌سادگی و راحتی در دسترس همگان است. به عبارت دیگر فضای مجازی فضایی است که در آن کاربران به‌واسطه نبودن نشانه‌های فیزیکی، هویت‌های مختلفی را در آن می‌توانند ایفا و حتی پنهان کنند (ذکابی و خطیبی، ۱۳۸۵: ۱۱۳)

می‌توان گفت فضای مجازی یک فضای واقعی است؛ زیرا اعمال انسان‌ها در این فضا تأثیر واقعی به دنبال دارد. به‌عنوان مثال در این فضا از طریق درگاه‌های بانک‌ها پول انتقال می‌یابد؛ بنابراین می‌توان گفت فضای مجازی، زندگی کامل در کنار زندگی حقیقی و به تعبیر فلسفی عالم موازی با عالم حقیقت است. چنان‌که عالم مثال عالمی موازی با عالم ماده است. باین‌حال فضای مجازی به خلاف فضای حقیقی یک فضای «بدون مرز» است که در آن هیچ محدودیت زمانی و مکانی متصور نیست (مرکز ملی فضای مجازی، ۱۳۹۶: ۲۹)

بی‌مرزی فضا و جهان مجازی محدود به زمان و مکان نمی‌شود. بلکه این خصیصه فضای مجازی سبب «بی‌مرزی هویتی» نیز می‌گردد. بر این اساس هیچ الزامی برای درج هویت اصلی در فضای مجازی وجود نخواهد داشت و کاربران می‌توانند «گمنام» یا با «هویتی سیال» فعالیت نمایند.

بی‌مرزی فضای مجازی این قابلیت را ایجاد کرده که فرد در آن می‌تواند تعریف جدیدی از هویت خود ارائه دهد و فرد، نام، سن، جنسیت و دیگر مشخصه‌های هویتی خودش را هرگونه که خواست معرفی کند و حتی پس از مدتی آن‌ها را نیز تغییر دهد (مرکز ملی فضای مجازی، ۱۳۹۶: ۳۱)

بنابراین، امکان گمنامی و ناشناخته بودن، امکان پنهان‌سازی ابعاد شخصیتی و به تعبیر دیگر «بی‌مرزی در هویت» نیز از خصوصیات فضای مجازی است که بر شیوه و عملکرد افراد تأثیرگذار است. چراکه افراد می‌توانند با نقاب شخصیتی درون شبکه‌ای که بر خود می‌زند خود را چندگانه بیان کنند و یا حتی جنبه‌های بیان‌نشده از وجود خودشان را بروز دهند و با هویت‌های جدیدی که کسب می‌کنند شخصیت‌های متفاوتی داشته باشند (دهقان و نیک‌بخش، ۱۳۸۵: ۲)

### ۳. ادله فقهی حق گمنامی در فضای مجازی

در فقه اسلامی، احکام شرعی را از ادله تفصیلی به دست می‌آورند (مشکینی، ۱۴۱۶: ۱۸۰) برخی از این منابع و ادله، لفظی هستند و برخی غیرلفظی، لذا به جهت سهولت در فهم، تحت این دو عنوان دسته‌بندی و مطرح می‌گردند:

#### ۱.۱،۳. ادله لفظی

ادله لفظی به ادله‌ای گفته می‌شود که از راه کلام شارع - چه الفاظ کتاب و چه سنت - مکلف را به حکم شرعی می‌رساند (صدر، ۱۴۰۶: ۶۴) آیات قرآن کریم، روایات معصومین علیهم‌السلام و حتی قواعد فقهی که برگرفته شده از آیات و روایات قرآن کریم، همگی جزو ادله لفظی هستند. حال در اینجا ادله لفظی که مثبت حق گمنامی در فضای مجازی هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرند:

#### ۱.۱،۳. کتاب و سنت

از آنجا که «حق گمنامی» یکی از مسائل مستحدثه در عصر حاضر است، در قرآن کریم و همچنین روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام هیچ سخنی از آن به میان نیامده است؛ ولی چون حق گمنامی از جمله حقوق حریم خصوصی انسان‌ها شمرده می‌شود می‌توان اشارات و تأییدات و تأکیداتی که قرآن کریم و سخنان گران‌بهای اهل بیت علیهم‌السلام در ارتباط با حقوق خصوصی افراد آمده را تعمیم داده و برای حق گمنامی نیز از آن‌ها استفاده نمود:

#### الف) منع تجسس، تحسس و تفتیش

تجسس در لغت از ماده «جسس» به معنای لمس کردن با دست است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۸). «تجسس به معنی تفحص و کنجکاوی از احوال مردم از همین ماده است، جاسوس را نیز که از اوضاع مردم و محل کنجکاوی می‌کند به همین سبب جاسوس گفته‌اند.» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۱۴)

«تجسس» و «تحسس» هر دو به معنی جستجوگری است منتها اولی معمولاً در امور نامطلوب می‌آید و دومی غالباً در امر خیر؛ چنان که یعقوب به فرزندان دستور می‌دهد: «ای فرزندان من! بروید و از (گمشده من) یوسف و برادرش جستجو کنید.» (یوسف: ۸۷/۱۲)

آیه ۱۲ سوره حجرات در خصوص منع تجسس می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید... جاسوسی مکنید.» آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «جستجوگری عاملی است برای کشف اسرار و رازهای نهانی مردم و اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که رازهای خصوصی آن‌ها فاش شود و به تعبیر دیگر اسلام می‌خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸۴)

در کتب روایی شیعیان نیز روایات متعددی مطرح شده است. مثلاً کلینی در کتاب «کافی» در ضمن حدیث صحیح السندی آورده است که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به همام که مردی عابد و زاهد بود فرمود: «ای همام! مؤمن جستجوگر در اعمال افراد نیست.» (خطبه ۱۸۴ نهج البلاغه). صرف‌نظر از دلایل روایی مذکور، اجماع فقها (بلکه اجماع مسلمین) بر حرمت تجسس وجود دارد (نجفی، ۱۳۹۲: ج ۱۳، ۲۹۸) و عقل نیز آن را مصداق ظلم محسوب و تقیح می‌کند.

نکته‌ای که در این دلیل قابل تأمل است آن‌که ادله مربوط به منع تجسس می‌تواند بیانگر این باشد که تحقیق و تفحص و تجسس به هیچ وجه جایز نیست و این مسئله می‌تواند رابطه مستقیم با حق گمنامی شخص داشته باشد چراکه کاربرد فضای مجازی حق دارد که نام و نشان، عکس و تصویر خود را به هر دلیلی که بخواهد مخفی نگه دارد و جستجو کردن از آن بر طبق نظر قرآن و روایات وارده ممنوع است؛ زیرا تجسس و تفتیش از امور داخلی، شخصی و خانوادگی مردم؛ یعنی آن بخش از زندگی شخص که ربطی به مسائل حکومتی و سیاسی ندارد، حرام مؤکد است (منتظری، ۱۴۰۹: ۴۰۰) بنابراین اگر پنهان داشتن هویتش در فضای مجازی مربوط به این دو مسئله حکومت و سیاست شود، تجسس در آن توسط دولت‌ها حرام نخواهد بود. البته آنچه به مأمورین اطلاعاتی حکومت‌ها، جایز بلکه واجب است در آن زمینه تحقیق و تجسس کنند، عبارت

است از شناسایی و کشف دشمنان نظام اسلامی که بر ضد اسلام و مصالح عمومی مردم فعالیت مخفی می‌کنند. (همان) در غیر این صورت حق تجسس از هر کاربری که به صورت مخفیانه و بدون هویت (گمنام) فعالیت می‌کند، ندارند.

### ب) منع افشای سِرّ

گمنامی در حقیقت خواهان مخفی و پوشیده ماندن است و این شباهت زیادی به سِرّ و رازداری دارد؛ چراکه افراد خواهان مخفی و پوشیده ماندن راز و سرشان هستند و آشکار کردن آن را موجب نقض حریم خصوصی‌شان می‌دانند.

کلمه سر به معنای مطلبی است که در دل خود پنهان کرده باشی و نخواهی دیگران از آن خبردار شوند و اسرار نیز به معنای این است که همان مطلب را برای کسی فاش کنی و سفارش نمایی که آن را پنهان دارد و به کسی اطلاع ندهد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۵۵۴)

دین مبین اسلام بر پنهان داشتن راز سفارش کرده و افشای آن را خیانت برشمرده است. البته در قرآن کریم تصریحی بر رازداری و منع افشای سِرّ نکرده؛ اما با تعبیراتی، به دلالت التزامی از فضیلت رازداری خبر داده است؛ مانند آیه ۱۱۸ سوره آل عمران که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید محرم اسراری از غیر خودتان انتخاب نکنید، آن‌ها از هرگونه شرّ و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند.»

در حرمت فاش کردن اسرار افراد روایت صحیح‌های داریم از عبدالله بن سنان که گوید: «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: آری، عرض کردم: مقصود شما دو عضو پایین تنه اوست؟ فرمود: آنچه فهم تو بدان رفته است نیست؛ همانا عورت مؤمن فاش کردن سِرّ اوست.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۴: ۲۴۷)

در روایت مرسلی که عمل مشهور موجب جبران ضعف سند آن گشته است، نیز از پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله داریم که فرمودند: «سخنانی که در مجالس گفته می‌شود امانت است و کسی حق ندارد سخنی را که صاحبش آن را از دیگران پوشیده داشته، افشا نماید.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۶۲۰)

این امر هم بدین جهت از نظر اسلام اهمیت دارد که حریم خصوصی افراد حفظ شود و امنیت روانی شخص و جامعه حفظ گردد. حال اگر فردی بخواهد در فضای مجازی نام و نشان خود را از دیگران پوشیده نگه دارد و نخواهد دیگران از آن آگاه شوند و به تعبیر دیگر بخواهد گمنام باشد، این حق را دارد و اسلام آن را تأیید نموده و کسی نمی‌تواند مانع او برای مخفی نگه‌داشتن شود و همچنین هیچ‌کس حق ندارد اصرار بر افشای آن داشته باشد مگر به حکم قانون.

### ج) استیناس و استیذان (اجازه طلبی)

اجازه گرفتن به هنگام ورود به خانه دیگران از اموری است که در قرآن کریم درباره آن آمده است: «ای اهل ایمان! به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید تا آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن‌ها سلام کنید، [رعایت] این [امور اخلاقی] برای شما بهتر است، باشد که متذکر شوید. - نهایتاً اگر کسی را در آن‌ها نیافتید، پس وارد آن نشوید تا به شما اجازه دهند و اگر به شما گویند: برگردید، پس برگردید که این برای شما پاکیزه‌تر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید، داناست.» (نور: ۲۷/۲۴ و ۲۸)

این امر به این دلیل است که خانه هر کس، حریم اوست و این بدین معناست که خانه برای او محلی است که در آن امور او از دیگران پنهان می‌ماند. ورود همراه با اجازه به حدی در روایات مورد تأکید است که حتی شخصی را که منفعت و متاعی هم در خانه شخص دیگری دارد، برای بهره بردن از آن ملزم به رعایت این رخصت طلبی نموده است. چه اینکه روایت مشهور و موثق «سمره بن جندب» که زراره از امام باقر علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله علیه‌وآله نقل می‌کنند، مؤید این معناست (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۲)

بنابراین، طبق مضمون آیه شریفه و روایات وارده، وارد شدن به منازل اشخاص دیگر، بدون اجازه اهل خانه در حقیقت نوعی تعرض به حریم خصوصی آن‌ها است و چون امنیت، آرامش و آسایش آن‌ها به خطر می‌افتد؛ از این رو اسلام از آن منع نموده است.

منزل هر شخصی، خواه زن باشد یا مرد، مکان امن و پناهگاه او شمرده می‌شود؛ بنابراین «هر شخصی به اقتضای حق قانونی اعم از مالکانه یا به جهت دارا بودن مالکیت منافع و حق انتفاع و مانند آن که نسبت به یک ملک دارد، این انتظار متعارف را از جامعه دارد که در نحوه استفاده از آن ملک آزادی کامل داشته باشد. از یک طرف هیچ کس به ملک مزبور متعرض نشود و از طرف دیگر هیچ شخصی بر فعالیت وی در آن ملک، نظارت و تجسس ننماید.» (صادقی، ۱۳۸۸: ۱۱۸ - ۱۱۹)

حال آن بخش از فضای مجازی که شخص کاربر در آن فعالیت دارد، به تعبیری مکان، ملک و پناهگاه مجازی او شمرده می‌شود و بر مبنای همین آیات و روایاتی که مطرح شد، کسی حق تجاوز به این مأمن را ندارد و ورود و آگاهی یافتن بر آن مستلزم اذن خواهی از شخص است.

**د) منع استراق سمع و بصر**

اگر کسی از پشت‌بام، بالای درخت و یا حتی از روزه‌ای به داخل خانه شخص دیگری نگاه کند و یا شنود بگذارد، به حریم امن خانه او دست‌اندازی کرده و صاحب‌خانه حق دارد که با او برخورد نماید تا جایی که او را کور کرده و یا حتی به قتل برساند.

این مضمون در روایات زیادی آورده شده است به‌عنوان نمونه کتاب‌های روایی بسیاری، روایت صحیح السنندی از امام صادق علیه‌السلام را آورده‌اند که: «هر آن که بر خانه گروهی بنگرد و از اسرار آنان آگاه شود و آنان به‌سوی وی تیراندازی کردند و نابینا شد و یا بر وی زخمی وارد کردند، دپه‌ای برایش نیست.» (کلینی ۱۴۰۷ ق: ۳۹۱)

حال اگر شخصی در فضای مجازی گفتگویی را ضبط و ارسال نماید یا چیزی را بنویسد که خواهان پوشیده ماندن آن از دید دیگران باشد، کسی نمی‌تواند بدون اذن به آن‌ها گوش یا نگاه کند و در صورت استراق سمع و بصر آن‌ها، ناقض حق شخص کاربر شمرده می‌شود؛ بنابراین منع استراق سمع و بصر، این حق را به کاربر فضای مجازی می‌دهد که متن خود را رمزنگاری کند تا پیام حقیقی‌اش گمنام باقی بماند.

باید توجه داشت ادله فوق‌گرفته در برخی موارد و به‌صورت مستقل، قابل مناقشه است، اما به دلیل کثرت و نیز با در نظر گرفتن مجموع ادله، مطلوب حاصل می‌شود.

**۳، ۱، ۲. قواعد فقهی**

برخی از قواعد فقهی هستند که می‌توان با کمک گرفتن از آن‌ها و تطبیق موضوع حق گمنامی در فضای مجازی بر آن‌ها، حکم شرعی آن را به دست آورد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

**الف) قاعده ید**

«مراد از ید همان استیلاء بر چیزی و تحت تصرف واقع شدن آن است و مقصود از آن عضوی که در بدن است، نیست و استفاده از کلمه ید در قاعده مذکور به خاطر تصرف و استیلائی است که عادتاً با دست محقق می‌شود.» (ایروانی، ۱۳۹۳: ۳۰۰). «مفهوم ید در این قاعده به معنای سیطره خارجی است به‌گونه‌ای که ذوالید اختیار تمام اموری را در دست دارد و تحت ید اوست و قادر است تا هرگونه تصرفی در آن انجام دهد.» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۲۸۳).

مهم‌ترین مدرک این قاعده «بناء عقلا» است (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق: ۳۰) و البته در خصوص آن روایات زیادی نیز مطرح شده است؛ مثلاً موثقه یونس بن یعقوب از امام صادق علیه‌السلام در مورد زنی که قبل از همسرش بمیرد و یا مردی که قبل از همسرش فوت کند که حضرت فرمودند: «وسایلی که مخصوص زنان باشد برای زن است و وسیله‌هایی که بین زن و مرد مشترک است برای آن دو است و هر کس بر چیزی که استیلا دارد، برای او است.» (حر عاملی، ۱۳۷۲: ۵۲۵) بنابراین، بر اساس عبارت آخر امام که فرمودند «هر کس بر چیزی که استیلا کند برای او است»، دلالت بر حجیت ید واضح است.



حال باید گفت که کاربر فضای مجازی وقتی صفحه، وبسایت، وبگاه و یا حساب کاربری و ... برای خود می‌سازد و شروع به فعالیت در آن می‌نماید، باتوجه به اینکه سازنده‌ی آن، اوست و بر اساس قاعده ید و ماده ۳۵ قانون اساسی، بر آن‌ها استیلا دارد؛ پس مالک آن‌ها هم به لحاظ بناء عقلا و هم به لحاظ عرف شناخته می‌شود؛ لذا هر نوع تصرفی که بخواهد می‌تواند در آن‌ها انجام دهد. یکی از این تصرفات نیز درج نام و هویت یا عدم آن در آن‌هاست که مختار است هرگونه که بخواهد وارد نماید؛ بنابراین در صورتی که شخص تمایل داشته باشد گمنام فعالیت نماید این امکان بر اساس قاعده ید برای او وجود خواهد داشت.

ذکر این نکته بعد از تمامی این توضیحات لازم است که ممکن است بر این قاعده ایراد گرفته شود که تنها مالکیت را ثابت می‌کند و حق انواع تصرف مالکانه را نمی‌رساند، بلکه قاعده سلطنت است که انواع تصرفات مالکانه را ثابت می‌نماید که می‌توان به دنبال ذکر این قاعده و استدلال بر آن، قاعده سلطنت نیز آورده شود تا بر این اساس این بحث تکمیل و این اشکال مرتفع گردد.

### ب) قاعده سلطنت

مفاد این قاعده آن است که «هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند و هیچ‌کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات منع کند. به عبارت دیگر، به موجب این قاعده، اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است مگر آن که به موجب دلیل شرعی، خلاف آن ثابت گردد.» (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۲۷).

کاربرد این قاعده بر مبنای آنچه در کتب قواعد فقهیه آمده در موارد شک و تردید است؛ به این معنا که هرگاه نسبت به جواز تصرف مالک تردید پیش آید، با استناد به این قاعده می‌توانیم بگوییم که باتوجه به نبودن دلیل شرعی بر منع مالک از تصرف، مالک مجاز به دخل و تصرف در مایملک خود است (نجفی، ۱۹۸۱ م: ۱۳۸؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ ق: ۱۳۶).

روایاتی بر این قاعده دلالت دارند که مشهورترین آن‌ها «النَّاسُ مُسْلَطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۷۲). است که از روایات مرسل است؛ ولی چون روایات صحیح السند دیگری وجود دارد که با مضمونشان بر مدلول همین روایت دلالت دارد، می‌توانیم از ضعف سندی آن چشم‌پوشی نماییم (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۲۸ - ۲۲۹).

اکنون بعد از بررسی مختصر قاعده سلطنت روشن است که هیچ اشکالی در ثبوت سلطنت برای مالک در مایملک خود وجود ندارد. با این وصف در صورتی که صفحات مجازی، وبلاگ‌ها، وبگاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ... جزو اموال شخص محسوب شود، می‌توان گفت بر طبق این قاعده، کاربر و صاحب آن‌ها اذن هرگونه دخل و تصرف در آن‌ها را به هر نحو که بخواهد داراست ولو اینکه بخواهد آن‌ها را بدون نام و هویت خود یا با هویت جعلی باقی بگذارد و از آن‌ها استفاده نماید.

### ج) قاعده لاضرر

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه به آن استناد می‌شود، قاعده لاضرر است که مستند بسیاری از مسائل فقهی محسوب می‌شود. ضرر ضد نفع و به معنای «بدحالی و نقصان» (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۸۲). است و باید گفت که «حرمت اضرار به نفس و اضرار به غیر و عدم جعل احکام ضرری به‌طور کلی، مفاد لاضرر است.» (اهتمام، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

مشهور آن است که این قاعده برگرفته از متن حدیث نبوی «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» در همان قضیه سمره بن جندب است. ماده ضرر و ضرار هر دو بر نقص دلالت می‌کنند؛ ولی ضرر مختص به نقص در مال و آبرو و بدن نیست، بلکه تجاوز به حقوق دیگران نیز یک نوع ضرر محسوب می‌شود (ایروانی، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

آنچه این قاعده را با موضوع این مقاله مرتبط می‌سازد آن است که یک انسان - حال مؤمن مسلمان باشد یا نباشد - بنابر اطلاق نفی ضرر در این قاعده، نباید ضرری متوجه‌اش گردد. پس در صورتی که ضرری او را تهدید می‌کند یا خوف از آن دارد، باید دفع ضرر نماید. بر این مبنا چنانچه



کاربر فضای مجازی در صورت درج هویت خود، احتمال وقوع ضرر و تجاوز جانی، مالی یا آبرویی به حقوقش را می‌دهد، می‌تواند دفع ضرر نماید و هویت خود را پنهان دارد و به‌صورت گمنام در فضای مجازی به فعالیت بپردازد.

البته بر طبق همین قاعده ضرر رساندن به دیگران نیز ممنوع است و شخص اجازه ندارد از این درج نکردن هویت خود و فعالیت کردن به‌صورت گمنام سوءاستفاده نماید و از طریق آن به دیگران ضرر و زیان وارد نماید؛ بنابراین در صورت احتمال وقوع ضرر، حق گمنامی برای کاربر فضای مجازی ثابت می‌شود؛ ولی این حق مشروط به عدم سوءاستفاده از آن برای ضرر رساندن به دیگران است.

**د) نفی عسر و حرج**

قاعده نفی عسر و حرج قاعده‌ای است که دشواری و سختی و تنگنا را از مکلف نفی می‌کند؛ اما اینکه آیا حکم شرعی را نفی می‌کند یا عدم الحکم را در بین فقها اختلاف است (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰ ق: ۲۳۱)

با در نظر گرفتن اطلاق قاعده نفی عسر و حرج می‌توانیم بگوییم «در اسلام هیچ‌گونه حکمی [اعم از حکم تکلیفی یا وضعی] که انسان را به‌دشواری و تنگنا و مشقت وادارد به‌طوری که او را از آن گریزی نباشد، وجود ندارد؛ همه احکام اسلام قابل عمل و اجراست و هرگز با بن‌بست و مشقت و تنگناها که عمل و اجرای حکم را دشوار سازد مواجه نمی‌گردد. به تعبیر دیگر عمل به احکام اسلام، سهل و آسان است و راه آن هموار و باز است.» معیار در حرج، حرج نوعی نیست. بلکه معیار را باید حرج شخصی در نظر گرفت که در مواردی که احکام و تکالیف موجب مشقت و حرج شخصی می‌شوند به‌مقتضای این قاعده منتفی و به احکام ثانویه ترخیصی مبدل می‌شوند. ملاک تشخیص حرج شخصی نیز عرف است. در صورتی که عرف و عادت مردم آن باشد که این عمل برای شخص خاصی همراه با حرج و مشقت است، برداشته می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۷۴ - ۷۵)

با این توضیح مختصر، ارتباط این قاعده با موضوع حق گمنامی در فضای مجازی روشن می‌شود. کاربر فضای مجازی در صورتی که با تبیین و آشکارسازی نام و هویت خود در فضای مجازی و فعالیت نمودن با آن، به هر دلیلی اعم از تهدید عرض و آبرو یا مورد تمسخر و آزار و اذیت قرار گرفتن و... دچار عسر و حرج گردد، به‌مقتضای اطلاق قاعده عسر و حرج، می‌تواند از انتشار نام و هویت اصلی خود در این فضا خودداری نموده و به‌صورت گمنام فعالیت نماید.

همچنین از آنجاکه قاعده عسر و حرج یک قاعده شخصی است نه نوعی، پس ممکن است آشکار ماندن هویت افراد برای تمام کاربران فضای مجازی موجب مشقت و رنج نباشد و فقط برای برخی افراد عسر آور و حرج آفرین باشد؛ بر این اساس اگر عرفاً آن‌ها دچار مشقت و سختی تلقی گردند، آن افراد می‌توانند گمنام یا با هویت غیر اصلی فعالیت نمایند.

**ه) قاعده احترام**

«احترام چیزی عبارت از عدم جواز تصرف در آن است و محترم، آن چیزی است که انتهاک و تصرف در آن جایز نیست و انتهاک عبارت است از تصرف در شیء و تعرض به آن به‌صورت غیر حلال (ناروا) که نتیجه آن تصرف در شیء به غیر وجه شرعی می‌شود.» (موسوی قزوینی، ۱۴۱۹ ق: ۲۰۹)

موضوع قاعده احترام را «خون مسلمان»، «مال مسلمان» و «عرض و آبروی مسلمان» تشکیل می‌دهد که به‌طور کلی از روایت صحیح السند امام جعفر صادق (علیه‌السلام) گرفته شده است که فرمودند: «مؤمن سراسر وجودش حرمت است: حرمت آبرو، حرمت مال و حرمت خون [جان] او.» (نوری، ۱۴۰۸: ۲۳۹)

آیه ۲۹ از سوره مبارکه نساء که به آیه اکل مشهور است بر حرمت مال مسلمان، آیه ۳۳ سوره مبارکه اسراء بر حرمت خون مسلمان دلالت دارند.



علاوه بر آیات، روایاتی نیز داریم که بر حرمت مال، خون و عرض مسلمان حکایت دارد؛ مانند موثقه سماعه از امام صادق علیه‌السلام که رسول خدا صلی‌الله علیه و آله فرمود: «هر کس که نزد او امانت فرد دیگری باشد باید آن را به صاحبش برساند پس همانا خون مرد مسلمان و مال او حلال نیست مگر با رضایت خاطر او.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۹) در این روایت به‌وضوح معلوم است که تصرف در مال دیگری جایز نیست مگر با رضایت خاطرش.

همچنین سید رضی از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام روایتی را در نهج‌البلاغه آورده است که: «آبروی تو [مثل یخ جامد] محفوظ و پابرجاست؛ اما درخواست از دیگران، آن را قطره‌قطره فرومی‌ریزد، پس اندیشه کن که آن را نزد چه کسی می‌ریزی؟» (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۳۴۶)

سند این روایت را اگر عده‌ای نپذیرند و بگویند سید رضی روایات نهج‌البلاغه را به‌صورت مرسل آورده است، باز باید گفت که این حدیث در کتب معتبر دیگری از شیعه (نوری، ۱۴۰۸: ۲۲۴؛ مجلسی ۱۴۰۳: ۱۵۸). با سند صحیح آمده است و جای خدشه برای آن نمی‌ماند.

علاوه بر کتاب و سنت که بر قاعده احترام دلالت دارند، عقل نیز بی‌احترامی به جان و آبرو و تصرف در اموال و منافع دیگری را بدون اذن او قبیح می‌داند و بر اساس قاعده «ما حکمَ بهِ العقل حکمَ بهِ الشرع» هر آنچه عقل به آن حکم کند شرع نیز به همان حکم می‌نماید» شارع نیز بی‌حرمتی و دست‌درازی به جان و مال و آبروی غیر را رد کرده است.

حال باتوجه به این مطالب، از آنجاکه کاربر فضای مجازی مالک صفحات شخصی، سایت‌ها، اکانت‌های خود است، لذا حق دارد که هر طور صلاح می‌داند در آن‌ها دخل و تصرف کند و افراد و اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر اجازه دخل و تصرف در آن‌ها را ندارند مگر با کسب اجازه از صاحب آن صفحه، سایت، اکانت و ... .

بنابراین، اگر کاربری با اختیار خود، هویت خود را در فضای مجازی آشکار ننماید و با هویت گمنام فعالیت نماید، افراد مطلع از نام و هویت اصلی فرد نمی‌توانند بدون اذن و اجازه گرفتن از او، نام و هویت اصلی او را منتشر نمایند و در صورتی که این امر را انجام دهند و به دنبال آن مشکلاتی برای کاربر ایجاد شود، آن افراد مسئول و ضامن خواهند بود.

همچنین کاربر فضای مجازی در صورتی که بداند یا خوف آن را بدهد که با درج هویت خود در این فضا ممکن است جانش به خطر افتد و موجب کشته شدنش گردد، باید حفظ جان کند و هویت خود را پنهان نگه دارد و به‌صورت گمنام فعالیت نماید.

از طرفی کاربر فضای مجازی در صورتی که افشای نام و هویت اصلی‌اش و همچنین افشای پیامش در صورتی که موجب خدشه‌دار شدن عرض و آبرویش گردد و یا حتی خوف از بی‌حرمتی‌اش به سبب این امر را داشته باشد، می‌تواند به حکم عقل و شرع، از این امور خودداری نموده و به شکل گمنام عمل نماید.

### ۲،۳. ادله تَبیی

ادله لَبیی، مقابل ادله لفظی می‌باشد و مراد از آن، ادله‌ای است که از راه غیر لفظی، مکلف را به حکم شرعی می‌رساند؛ مانند: اجماع، دلیل عقل، سیره و... (صدر ۱۴۰۶: ۷۴)

با این توضیح، پس از بیان ادله لفظی، اکنون در این بخش به بیان ادله تَبیی یا همان ادله غیرلفظی در خصوص اثبات حق گمنامی برای کاربر در فضای مجازی پرداخته می‌شود:

### ۱،۲،۳. دلایل عقلی

مسئله حق گمنامی مسئله‌ای است که به حکم عقل لازم و ضروری است. این امر از طریق سه استدلال عقلی به نحو ایجابی یا سلبی قابل اثبات است:

## الف) منع عقلی ولایت و سلطه بر دیگران

عقل این‌گونه استدلال می‌کند که:

**مقدمه اول:** ولایت بر دیگران به هر نحو که باشد «چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی» ممنوع است مگر اینکه دلیل خاصی بر آن وجود داشته باشد.

**مقدمه دوم:** تجسس، تفتیش و زیر نظر گرفتن دیگران «به هر نحو که باشد» نیز نوعی ولایت پیدا کردن بر دیگران است.

**نتیجه:** تجسس و تفتیش و زیر نظر گرفتن دیگران به هر نحو که باشد - چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی - ممنوع است مگر دلیل خاصی بر آن وجود داشته باشد.

## ب) منع عقلی ظلم

این استدلال عقلی به این شیوه استوار می‌شود که:

**مقدمه اول:** نقض حقوق شخصیت و خصوصی حقیقی یا مجازی افراد ظلم بر آن‌ها است.

**مقدمه دوم:** ظلم بر دیگران حرام و ممنوع است.

**نتیجه:** نقض حقوق شخصیت و خصوصی حقیقی یا مجازی دیگران حرام و ممنوع است.

## ج) قضاوت وجدان (حکم اولیه وجدان)

بر طبق ادله بدیهی وجدانی و عقلی، تجسس حرام و نگهداری آبرو و اسرار مسلمانان واجب و از جمله مسائل حیاتی است. چراکه زندگی توده مردم بر اساس این دو اصل و شالوده استوار و بنیان‌گذاری شده است.

وجدان انسان‌ها این‌طور حکم می‌کند که در صورتی که کسی خواهان آن باشد که آبرو و اسرارش حفظ شود و کسی امکان تجسس در حریمش را نداشته باشد، باید بر این امر اقدام نماید و راه را بر تجسس دیگران ببندد و در حفظ آبرو و اسرار خود را نیز بکوشد. او می‌تواند در فضای مجازی این دو امر را از طریق اعمال حق گمنامی خود، اجرایی نماید. پس به قضاوت وجدان، اعمال حق گمنامی امری جایز بلکه در مواردی واجب نیز هست.

## ۲،۲،۳. عرف و بناء عقلا

عرف از جمله منابع فقهی و حقوقی‌ای است که در صورت عدم قانون تدوین یا تشریح شده در زمینه‌ای خاص، رجوع به آن می‌شود تا هنجارها و بایدها و نیابدهایی را که در جامعه نهادینه شده است را بیان نماید.

عرف عبارت است از «قول، فعل یا ترک فعلی که توسط مردم پذیرفته شده و در میان‌شان شایع باشد و در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها یا در برخی از آن‌ها، بر طبق آن رفتار شده باشد.» (حکیم، ۱۴۳۰ ق: ۴۱۹)

حقوقدانان نیز عرف را عادت‌ی معنا کرده‌اند که به مدت طولانی در بین مردم مرسوم شود و همه در برابر واقعه معین آن را به کار بندند و عمومی و پایدار باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۱۱)

آیت‌الله سبحانی در کتاب «المبسوط فی اصول الفقه» آورده است که: «چهار اسم بر لسان فقها دور می‌زند و آن‌ها: عرف، سیره، عادت و بناء عقلا هستند که همه آن‌ها معنی یکسانی را در برمی‌گیرند.» (سبحانی، ۱۴۳۲ ق: ۳۳۲)

«سیره عقلا که از آن به بنای عقلا نیز تعبیر می‌شود نیز به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است.» (ولایی، ۱۳۷۴: ۲۴۳)

عرف به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شود که عرف عام، عرفی است که در همه دنیا جاری است و عرف خاص نیز مربوط به منطقه خاص است. (همان) عرف عام چیزی است که میان اغلب مردم در جوامع، اقوام و زمان‌های مختلف رواج داشته و بسیاری از امور عمومی اجتماع بر آن استوار است؛ مانند رجوع جاهل به عالم و عرف خاص نیز عرفی است که در میان گروه خاصی که عامل خاصی آن‌ها را جمع کرده رایج است؛ مانند پوشیدن لباس سفید توسط کادر پزشکی (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۳۸۶)

همان‌طور که کتاب خدای سنت، اجماع و عقل از منابع استنباط حکم شرعی هستند، عرف و سیره هم از منابع استنباط هستند که بسیاری از احکام مستحده را این طریق اثبات می‌نمایند. از آنجاکه مسئله حق گمنامی در فضای مجازی نیز یکی از مسائل مستحده عصر حاضر به شمار می‌رود می‌توان حکم آن را از طریق عرف و بنای عقلا استنباط نمود.

عرف عام مردم جهان در خصوص پنهان داشتن هویت خود در فضای مجازی آن است که این کار را انجام می‌دهند و معمولاً آن را بد نمی‌دانند و موردپسند اکثریت واقع شده است. بنای عقلا نیز آن را تا زمانی که موجب ایجاد مزاحمت و ظلم برای دیگران نباشد، جایز می‌داند؛ بنابراین بر طبق این دو می‌توان حق گمنامی را برای کاربران فضای مجازی اثبات می‌شود.

البته با تمام آنچه گفته شد، ذکر این نکته نیز لازم است که این دلیل قابل خدشه است؛ به دلیل آنکه در بحث عرف و بناء عقلا بنا بر نظر مشهور فقها علاوه بر اینکه سیره، باید بناء قطعی بین عقلا باشد، باید امضا شارع یا عدم ردع شارع را نیز داشته باشد؛ چراکه بناء عقلا زمانی می‌تواند دلیل بر اثبات حکم شرعی باشد که علی نحو یقین، از موافقت شارع کشف نماید و گرنه حجت نخواهد بود (مظفر، ۱۳۸۶: ۳۶۹)

#### ۴. ادله حقوقی حق گمنامی در فضای مجازی

حق گمنامی، در اصول و مبانی با حریم خصوصی و آزادی بیان همسانی تقریبی دارند. به همین جهت این دو امر را می‌توان از مبانی و اصول اساسی حق گمنامی نیز برشمرد.

##### ۴.۱. اصل حریم خصوصی

حریم خصوصی در اصطلاح، تعریف واضح و مشخصی ندارد و تعاریف متفاوت و متنوعی از این مفهوم ارائه شده است. شورای اروپا در قطعنامه‌ای حریم خصوصی را این‌گونه تعریف نموده است:

«حق بر حریم خصوصی مربوط است به زندگی خصوصی، خانوادگی و مسکن افراد، تمامیت جسمی و روحی، آبرو، اعتبار و شهرت و حیثیت افراد، دوری از اینکه چهره کاذبی از شخص نشان داده شود، افشا نکردن وقایع و حقایق نامربوط و آزاردهنده، افشای غیرمجاز تصاویر خصوصی افراد، حمایت از افشا نشدن اطلاعاتی که از شخص در نتیجه اعتماد به دست آورده‌اند یا در اختیار آن‌ها قرار گرفته است.» (علی جعفری، ۱۳۹۶: ۲۹)

به نظر می‌رسد بهترین تعریف برای این مفهوم این باشد:

«محدوده‌ای از زندگی هر فرد که آن فرد عرفاً یا با اعلان قبلی، توقع دارد دیگران بدون اجازه او به اطلاعات آن قلمرو دسترسی نداشته، به آن قلمرو وارد نشوند، یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نداشته، یا به هر جهت دیگر، به وی در آن قلمرو تعرض نکنند.» (باقر انصاری، ۱۳۸۶: ۳۸)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پاره‌ای از اصول فصل سوم (حقوق ملت) به برخی از مصادیق حریم خصوصی مانند حیثیت، جان، مسکن (اصل ۲۲)، عقاید (اصل ۲۳)، نامه‌ها و مکالمات تلفنی و الکترونیکی (اصل ۲۵) تصریح نموده است. قانون احترام آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳)، قانون تجارت الکترونیکی ایران (مصوب ۱۳۸۴)، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (مصوب ۱۳۸۸) و آیین‌نامه اجرایی این قانون (مصوب، ۱۳۹۳) از جمله تلاش قانون‌گذار در شناسایی حق حریم خصوصی افراد می‌باشد.

یکی از این قلمروها که در تعریف فوق آمده، قلمرو «اطلاعات شخصی فرد» است که امور یا مسائلی را در برمی‌گیرد که شخص می‌کوشد فاش نشود و سعی می‌کند آن‌ها را مورد حمایت قرار داده و حفظ کند؛ چراکه با شخصیت وی در ارتباط است (الاهوانی، ۱۹۷۸: ۴۶)

بنابراین، هر شخصی حق دارد از اطلاعات شخصی خود حمایت و حفاظت نماید که از جمله آن‌ها نام و هویت، شماره تلفن، تماس‌های تلفنی، رایانامه‌های وی و... هستند که فرد می‌تواند در فضای حقیقی یا فضای مجازی از این امور صیانت کند و اگر کسی متعرض این حد از حریم خصوصی وی شود مجرم شناخته می‌شود. پس گمنام باقی گذاردن هویت در فضای مجازی بر مبنای صیانت از حریم خصوصی افراد تا بدین جا امری بدون اشکال تلقی می‌شود.

## ۲.۴. اصل آزادی بیان

«آزادی» از کلماتی است که امروزه بسیار به کار می‌رود و در اصطلاح «آزادی، توانایی موجود در هر انسان است، برای عمل کردن بر طبق اراده خاص خویش، بی‌آنکه ملزم به تن دادن به الزامات دیگری، جز آنچه برای آزادی دیگران ضروری است، باشد.» (مصطفی اسکندری، ۱۳۹۰: ۱۱۱)

از میان تمام تعاریفی که برای آزادی شده آنچه اینجا مدنظر است معنای آزادی در اصطلاح حقوق است که آن «عبارت از حقی است که به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند.» (محمد هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۰۸)

آزادی انتخاب موهبتی است که خدای سبحان به همه انسان‌ها عطا کرده و تمامی مکاتب الهی و ادیان آسمانی به‌ویژه اسلام آن را حقی ثابت و تغییرناپذیر برای انسان می‌دانند و نمی‌توان آن را از انسان‌ها سلب نمود (حسین اسحاقی، ۱۳۸۴: ۵۸)

یکی از آزادی‌های حقوقی، آزادی عقیده و بیان است که عبارت است از «اینکه هر شخص، هر فکری اعم از اجتماعی، فلسفی، سیاسی یا مذهبی را که می‌پسندد و یا آن را عین حقیقت می‌پندارد، آزادانه انتخاب کند بی‌آنکه مواجه با نگرانی یا بیم و یا تجاوزی شود.» (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۹: ۸۴). «این آزادی، شامل آزادی قلم، مطبوعات و مطلق اطلاع‌رسانی می‌شود.» (قدردان قرا ملکی، ۱۳۸۲: ۳۳)

به‌موجب اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» اصول دیگری از قانون اساسی نیز به بیان انحاء مختلف، از اصل آزادی حمایت کرده است از جمله: آزادی مطبوعات اصل ۲۴، آزادی ابراز جمعی عقاید اصل ۲۶ و ۲۷، آزادی عدم انتخاب عقیده اصول ۲۳ و ۲۶، آزادی دریافت اطلاعات اصل ۲۵. البته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بند هفتم اصل سوم، اصل چهارم، اصل بیست و چهارم و اصل بیست و ششم و... از جمله اصولی هستند که محدودیت‌هایی را به آزادی‌ها، از جمله آزادی بیان وارد نموده‌اند. بند هفتم اصل سوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار گیرد.» «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود و قانون»

بنابراین، هیچ شخصی به صرف داشتن عقیده‌ای و به‌تبع آن ابراز آن عقیده «که قاعدتاً از آن جدا نیست» نباید مورد تعرض و آزار و اذیت و یا متحمل صدماتی در زندگی اجتماعی‌اش شود؛ ولی در صورتی که این ابراز عقیده سبب اخلال در نظم و امنیت یا مزاحم حقوق و آزادی‌های دیگران شود قابل مجازات خواهد بود (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۹: ۸۶)

بر مبنای تمام آنچه گفته شد می‌توانیم بگوییم انسان‌هایی که در فضای مجازی حضور و فعالیت دارند به‌حکم انسان بودن حق آزادی عمل و انتخاب دارند که هرگونه که می‌خواهند در خصوص گمنامی یا عدم گمنامی خود عمل کنند؛ همچنین این کاربران از حق آزادی اندیشه و بیان

نیز برخوردار هستند و باتوجه به این آزادی می‌توانند نام و هویت خود را در فضای مجازی نشر دهند یا گمنام باقی بگذارند مگر این امر سبب اخلال در نظم و امنیت یا مزاحم حقوق دیگران گردد که در این صورت به‌موجب قانون ممنوع می‌شود.

### ۳،۴. حق خلوت

واژه «خلوت» در فرهنگ‌های لغت فارسی به معنای «تنهایی گزیدن، تنها شدن، جای خالی از اغیار، تنهایی و جای تنهایی» (معین، ۱۳۹۵: ۶۳۴؛ عمید، ۱۳۷۸: ۵۶۳) آمده است.

برخی حق خلوت را این‌چنین تعریف نموده‌اند:

«حق خلوت آدمیان متضمن یک پناهگاه امن یا منطقه حفاظت شده برای آدمیان است که مردم در آن می‌توانند از بازرسی دقیق و موشکافانه و احتمالاً نکوهش درباره امور شخصی خود، رها و آزاد باشند.» (نیس بام، ۱۳۸۱: ۱۹۸)

برخی نیز حق خلوت را «حق زندگی در خانه خود، بدون نگاه مزاحم دیگران و حق بودن در یک اتاق خواب یا اتاق خصوصی بی‌آنکه شخص مزاحمی بتواند وارد آن شود» (استون، ۱۳۵۰: ۱۹۴) معنا نموده‌اند.

همان‌طور که روشن است آنچه تاکنون در خصوص حق خلوت و تعریف آن مطرح شده تعریف صریحی از آن نیست؛ بلکه ذکر مصادیقی از آن است. مصادیقی مانند حق برخورداری از تمامیت جسمی و روحی، برخورداری از احترام شرافت و حیثیت شخص، کنترل اطلاعات خصوصی، داشتن روابط عاطفی با دیگران، در معرض دخالت رسانه‌های جمعی نبودن، مصون و محفوظ بودن خانه و زندگی خصوصی، عکس، اطلاعات، مکالمات تلفنی، مراسلات و...

از طرفی متأسفانه پیشرفت صنعت و تکنولوژی امکانات و راه‌های جدیدی برای نقض حریم خلوت و خصوصی افراد را فراهم کرده است. به‌طور مثال دوربین‌های بسیار دقیق حسی حرکتی و حتی گرمایی، رادارها و وسایل پیشرفته شونود مکالمات درون مکانی یا تلفنی، نظارت و رهگیری از راه دور از طریق مکان‌یاب (GPS) و فناوری‌های دیگری که به‌راحتی و دقت بالا امکان نظارت، کنترل، رهگیری، ذخیره و انتقال اطلاعات را فراهم کرده و به دنبال آن حیطة خلوت افراد را مورد خدشه قرار می‌دهند و در نتیجه امنیت روانی افراد نیز مورد تهدید جدی قرار خواهد گرفت.

بنابراین، به همان منوالی که در فضای حقیقی، استفاده از نام و هویت افراد باید از تعرض یا سوءاستفاده در امان بماند، در فضای مجازی نیز که فضایی واقعی است باید نام و هویت کاربران مصون و محفوظ باشد؛ لذا کاربر در صورتی که بداند درج نام و هویتش در این فضا موجب سوءاستفاده، تهدید، اذیت و... می‌گردد، می‌تواند در راستای حفظ حق خلوت خود، از نام و هویتش صیانت نموده و آن‌ها را مخفی بدارد و هیچ‌کس نمی‌تواند مانع وی از این امر شود و در گمنام نگه‌داشتن یا نداشتن نام و هویت او دخالت و او را بر این امور مجبور نماید مگر قانون در مواردی خاص.

## نتیجه گیری

در فضای مجازی که نوعی فرافضا و کاملاً بی‌مرز است، می‌تواند بی‌مرزی هویتی شکل بگیرد. بی‌مرزی هویتی سبب ایجاد حقی به نام «حق گمنامی» در فضای مجازی می‌گردد. حق گمنامی یا همان سلطه و توانایی شخص بر مجهول و ناشناخته ماندن در فضای مجازی از جمله حقوق معنوی مرتبط با شخصیت است که در ارتباط با مردم شکل می‌گیرد که حق خلوت، آزادی بیان و حریم خصوصی پایه و مبانی اصلی حقوقی آن به شمار می‌روند. از همین رو آیات و روایات مرتبط با حریم خصوصی از مبانی فقهی حق گمنامی نیز شمرده می‌شود. به این نحو که کاربر فضای مجازی اگر به هر دلیلی بخواهد نام و هویت خود را مخفی و پوشیده نگه دارد و گمنام فعالیت نماید، این حق را دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند مانع او برای عدم اختفاء شود و یا در صورت آگاهی از نام و هویت، اذن افشای آن را ندارد. همچنین هیچ‌کس بر طبق این ادله حق تحقیق و تفحص و تجسس از نام و نشانی وی را ندارد؛ چراکه فضای مجازی که شخص در آن فعالیت می‌کند، ملک و پناهگاه مجازی او شمرده می‌شود؛ لذا ورود به آن و تفحص از آن مستلزم اذن خواهی است و افراد دیگر اجازه ضبط، ارسال و یا استراق سمع و بصر از هویت و اطلاعات پنهان وی را ندارد.

علاوه بر آنچه گفته شد مهم‌ترین ادله لفظی فقهی حق گمنامی را قواعد فقهی متعددی از جمله قاعده ید، سلطنت، لاضرر، لاجرح و احترام تشکیل می‌دهند. از آنجاکه کاربر فضای مجازی خود سازنده و مالک صفحات مجازی خود است، بر اساس قاعده ید و سلطنت بر آن‌ها استیلا دارد و حق دارد به هر نحو که بخواهد در آن‌ها تصرفات نماید. چه بخواهد نام و هویت خود را درج نموده یا از مندرج کردن آن‌ها خودداری نماید، بر این امر مختار است.

از طرف دیگر بر طبق قاعده لاضرر و لا حرج در صورتی که درج هویت مستلزم ضرر و یا حرج برای کاربر و یا دیگران باشد، در این صورت استفاده از حق گمنامی جایز خواهد بود. همچنین بر اساس قاعده احترام، کاربر فضای مجازی در صورتی که گمنام نبودنش سبب خدشه‌دار شدن عرض و آبرویش می‌گردد، به حکم این قاعده می‌تواند از افشای نامش خودداری نموده و گمنام عمل نماید.

علاوه بر ادله لفظی، یک سری ادله لُبی که شامل یک سری استدلالات عقلی، عرف و بناء عقلاء است نیز برای اثبات حق گمنامی وجود دارد که اگرچه برخی از آن‌ها ممکن است مورد مناقشه باشند؛ ولی مجموع ادله لفظی و لُبی موجود ما را به این امر رهنمون می‌کند که حق گمنامی یک حق مشروع برای کاربران فضای مجازی است.

اصول و مبانی حقوقی حق گمنامی نیز عبارت‌اند از «اصل حریم خصوصی»، «اصل آزادی» و «حق خلوت» که هر یک از این اصول و مبانی نشان می‌دهند که انسان مختار و آزاد است که در حیطه حریم خصوصی و خلوت حقیقی یا مجازی خود به هر نحوی که خواست و اراده کرد عمل نماید مگر اینکه به موجب قانون از آن جلوگیری شود. یکی از این آزادی عمل‌ها نیز در حوزه درج هویت یا عدم آن در فضای مجازی است که شخص بر این امر آزاد است که گمنام بماند یا نه؛ لذا بر این امر تا زمانی که به حکم قانون منعی نباشد، منع شرعی و حقوقی مترتب نیست.

البته حدود و شرایط اعمال این حق، در یک مطلب اصلی و کلیدی خلاصه می‌شود و آن «عدم سوءاستفاده از حق» است. این اصلی‌ترین حدی است که برای هر مُحقی وجود دارد؛ به خصوص برای کاربر گمنام در فضای مجازی.

متأسفانه یکی از معضلات پنهان ماندن هویت افراد در فضای مجازی، بالا رفتن سطح احتمال سوءاستفاده از این فضا است. راه‌ها و شیوه‌های بسیاری برای سوءاستفاده از گمنامی در فضای مجازی وجود دارد که برخی از آن‌ها در حیطه مباحث اخلاقی، برخی اقتصادی و برخی دیگر در حوزه مباحث امنیتی به شمار می‌روند که کاربر گمنام در فضای مجازی نباید از این گمنامی برای انجام آن‌ها استفاده نماید.

## منابع

\* قرآن کریم

\* محمد بن حسین شریف الرضی (سید رضی). (۱۳۷۹). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.

۱. ابن فارس بن زکریا، عبدالحسین احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، قم: بوستان کتاب
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. استون، فردیناندا. (۱۳۵۰). نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا، ترجمه حسین صفایی، تهران: امیرکبیر.
۴. اسحاقی، حسین. (۱۳۸۴). آزادی در اسلام و غرب، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۵. اسکندری، مصطفی. (۱۳۹۰). حکومت اسلامی و حریم خصوصی، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
۶. اکبریان قناتی، احمدعلی. (۱۳۹۴). «تحلیل امنیت و بهبود یک پروتکل احراز هویت با تأکید بر گمنامی کاربر». استاد راهنما: مرتضی نیکو قدم، دانشکده مهندسی دانشگاه امام رضا (علیه‌السلام).
۷. انصاری، باقر. (۱۳۸۶). حقوق ارتباط جمعی، تهران: سمت.
۸. انوری، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، تهران: سخن.
۹. اهتمام، احمد. (۱۳۹۲). وسائل العباد فی يوم التناد، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۰. الاهوانی، حسام‌الدین کامل. (۱۹۷۸م). الحق فی احترام الحیاة الخاصة، قاهره: دار النهضة العربیة.
۱۱. ایروانی، باقر. (۱۳۹۳). دروس التمهیدیه فی القواعد الفقہیة، ترجمه حسن بیت جادر، قم: نصاب.
۱۲. جعفری، علی. (۱۳۹۶). بررسی فقهی حقوقی ماهیت و مبانی حریم خصوصی اطلاعات، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی - پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۲). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: آل‌البیت.
۱۴. حکیم، محمدتقی. (۱۴۳۰ق). الاصول العامه للفقہ المقارن، تصحیح: محمدعلی تسخیری، تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة مرکز التحقیقات الدراسات العلمیة المعاونة الثقافیة.
۱۵. حشمت زاده، حسین. (۱۳۹۷). «حق بر گمنامی در اینترنت» استاد راهنما: باقر انصاری، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. دهقان، علیرضا و نیک بخش، مروده. (۱۳۸۵). مطالعه شیوه رفتار افراد در فضای مجازی: شکل‌گیری روابط صمیمانه در اتاق‌های گپ‌زنی اینترنت، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۲، شماره ۶
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). لغتنامه دهخدا، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۱۸. ذکایی، محمد سعید و خطیبی، فائزه. (۱۳۸۵). رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن؛ پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن، لبنان - سوریه: دارالعلم - دارالشمیة.
۲۰. زارعی سبزواری، عباسعلی. (۱۴۳۰ق). القواعد الفقہیة فی فقه الإمامیه، قم: موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. ساجدی، محمد. (۱۳۸۸). حق‌الله و حق‌الناس در جرایم و مجازات‌ها، تهران: جنگل.
۲۲. سبحانی، جعفر. (۱۴۳۲ق). المبسوط فی اصول الفقه، قم: موسسه امام صادق (علیه‌السلام).
۲۳. صادقی، حسین. (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیک (حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات)، تهران: میزان.
۲۴. صدر، محمدباقر. (۱۴۰۶ق). دروس فی علم الاصول، ج ۲، بیروت - لبنان: دار الکتاب اللبنانی.
۲۵. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۹). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ج ۶، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۲۷. مسعود، جبران. (۱۳۷۶). فرهنگ الفبایی الرائد، ترجمه رضا انزابی نژاد، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

۲۸. طاهری، حبیب‌الله. (۱۳۷۵). حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۹. عمید، حسن. (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی عمید، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

۳۰. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۶). قواعد فقه، ج ۴، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۳۱. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۸۴). المحجّة البيضاء فی تهذیب الأحياء، قم: حسنین.

۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق). الوافی، اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه‌السلام).

۳۳. قدردان قرا ملکی، محمدحسن. (۱۳۸۲). آزادی در فقه و حدود آن، قم: بوستان کتاب قم.

۳۴. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). مبانی حقوق عمومی، بی جا: دادگستر.

۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۶. کنعانی، محمدامین، محمد زاده، حمیده. (۱۳۹۷). «مطالعه گمنامی در روابط اینترنتی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن». مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۷۰.

۳۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۳۸. محقق داماد یزدی، مصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

۳۹. مشکینی، علی‌اکبر. (۱۴۱۶ق). اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، ج ۶، قم: الهادی.

۴۰. مصطفوی، محمدکاظم. (۱۴۲۱ق). القواعد، قم: موسسه النشر الاسلامی.

۴۱. مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۶). أصول الفقه، قم: سید عبدالله اصغری.

۴۲. معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا و مرکز ملی فضای مجازی. (۱۳۹۶). حقیقت مجازی، تهران: مرکز ملی فضای مجازی.

۴۳. معین، محمد. (۱۳۹۵). فرهنگ فارسی، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

۴۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، ج ۲۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۴۵. ملکی اصفهانی، مجتبی. (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات اصول، قم: عالمه.

۴۶. منتظری، حسینعلی. (۱۴۰۹ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، تهران: کیهان.

۴۷. موسوی بجنوردی، محمد. (۱۳۷۹). قواعد فقهیه، ج ۳، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.

۴۸. موسوی قزوینی، علی. (۱۴۱۹ق). رساله فی العداله، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴۹. نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر). (۱۳۹۲ق). جواهر الکلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۵۰. نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، قم: آل البيت.

۵۱. نیس بام، هلن. (۱۳۸۱). حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات، ترجمه عباس ایمانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲.

۵۲. ولایی، عیسی. (۱۳۷۴). فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران: نی.

۵۳. هاشمی، محمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: میزان.

